

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

طاهره بنیاد "شمس"

۱۱ جون ۲۰۰۹

ارمغان دموکراسی و عدالت اجتماعی در افغانستان

من مرغ آتشم ،
شب را به زیر سرخ پر خویش میکشم
در من هراس نیست ز سردی و تیرگی
من از سپیده های دروغین مشوشم

در شرایط بسیار حساس و شکننده موجود، که وضعیت عمومی افغانستان بحرانی بوده و بسوی بی ثباتی و بی امنیتی هرچه بیشتر می‌رود، مسأله زنان داغ است و ثبت نشرات و مطبوعات داخلی و خارجی می‌باشد.

زمینه فکری مشترک بنیادگرایان و اخلاص برای هدف، آمال و آرزوهایشان باصلاح صدای صلح خواهی، دموکراسی و عدالت اجتماعی جار زده و برای بهره برداری سوء استفاده جهت پیشبرد مرام خود، یعنی ضرورت کمکهای معنوی و دموکراسی را در جمهوری اسلامی جا بزنند. ولی اکثریت مردم میدانند، که این نظام حکومتی عقیدتی بوده و برای تحریم دموکراسی و عدالت اجتماعی به اشکال مستقیم و غیر مستقیم دستبرد می‌زنند. از یکطرف با استفاده از دموکراسی مدرن امپریالیستی در پای صندوق های رأی می‌روند و زمانی باز میخ دیگری را به تابوت دموکراسی می‌زنند و معیار عدالت اجتماعی را پامال می‌نمایند.

این روش بدین معناست، که اینها صرفاً خود را به استفاده از جبر محدود نساخته، بلکه از چماق و شیرینی مشترکاً استفاده میکنند، که این تکتیکهای دوگانه نیز عنصر مهم فریبکاری را همراه دارد، تا بتوانند با این برنامه ها پرامتر های "مواضع قابل قبول" در باره مسائل سیاسی را معین کرده، خشم و غلیان توده ها بخصوص زنان را بدین وسیله خنثی نموده و از نگاه سیاسی به یک دنباله رو مبدل گردانند.

چون حکومت اسلامیست و همه حاکمیت از آن خداوند است و خداوند سبحان میفرماید "الحکم لله" (تنها خداوند منبع اساسی حکومت است)، پس دیده میشود، که ایمان و تسلیم کامل در مقابل خداوند عز و جل نه ایمان به ملت است و نه رنگ و بوی از دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد. یعنی دین از دولت اصلاً جدا نیست.

پس راه حل این مسأله و رهائی مردم و بخصوص زنان از چنگ این زن ستیزان دولتی و غیردولتی کنونی، متصل به شناخت از موقعیت قدرتهای حاکم بر افغانستان است.

در شرایط کنونی نیروی عمده حاکمیت در بعد جهانی کاملاً وابسته به امپریالیستها به سرکردگی امپریالیزم امریکا بوده و از حمایت همه جانبه نظامی، سیاسی مستقیم در داخل تمامیت ارضی ما برخوردار است. و در بعد داخلی اساساً با برپائی یک حکومت مذهبی که یکی از ارگانهای مهم آن ضد دموکراسی و نقض حقوق اولیه زنان و

سرکوب سیستماتیک حکومتی، زنان میباشند. پس موقعیت زنان افغانستان آئینه تمام نمای وضعیت کل مردم کشور ماست. زیرا شووینیزم مردسالار بر زنان یکی از ساختارهای جامعه ما را تشکیل داده، و با ستم طبقاتی و ملی در ارتباط تنگاتنگ و بهم فشرده قرار دارند. به این دلیل برای مبارزه از ستم ملی امپریالیستی و ملی شووینیستی گامهای بزرگ را برداشته، راه مبارزه برای حقوق انسانی زنان به طور شاید و باید به پیش برده شود.

برای تأمین حقوق زنان، واژگون کردن نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلط بر جامعه، ضرورت عاجل میباشد. ازین لحاظ بروشنی می بینیم که طرح جوانب مختلف مسأله جامعه ما نبودن دموکراسی و عدالت اجتماعیست، که زمینه های رنگارنگ از زندگی اجتماعی را در بر دارد. به همین دلیل ارزیابی مختصر تاریخی را ایجاب میکند، که طور خلاصه به آن بپردازیم :

انسانها از ابتدای خلقت خود برابر بوده و کدام نابرابری بین شان وجود نداشت. چون انسانان از ابتدای خلقت باهم برابر بوده اند، باید از لحاظ حقوق انسانی نیز برابر باشند. اما می بینیم که در آستانه قرن بیست و یکم، زنان افغانستان از لحاظ حقوقی برابر یا مساوی مردان نیستند. هنوز هم غالباً زنان را ناقص العقل میشناسند، که این تبعیض ریشه فرهنگی و سنتی در جامعه مردسالار داشته، تا امروز بشکل عمیق آن قابل دید است.

اگر به گذشته ها و تاریخ افغانستان نگاه مختصری بیندازیم، دیده میشود که پدیده دموکراسی و عدالت اجتماعی در هر شرایط به بن بست قرار گرفته است. و این واقعیت تلخی می باشد که تاریخ سیاسی میهن ما یک تاریخ استبداد سلطنتی، جمهوری، بالاخره با جنایات حزب "دموکراتیک خلق" و جمهوری اسلامی خلاصه میشود. جای سؤال است که چرا دموکراسی رشد نکرده و بر عدالت اجتماعی استوار نیست؟

در یک کشور نیمه فیودالی و نیمه مستعمره و فعلاً مستعمره کامل قدرت مطرح بوده، که در افغانستان قدامت طولانی دارد. پس بر روشنفکران است، که تاریخ پدیده های تاریخی را به مثابه واقعیات بررسی کرده و برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه کنند.

در طول تاریخ و در تمام این دوران برخورد زن ستیزانه، غالباً از احکام شریعت اسلامی برخاسته و نفوذ آن در جوامع اسلامی حیرت برانگیز است. قوانین اسلامی در هر زمان تخریبی برای بوجود آمدن دموکراسی و عدالت بوده و بالخصوص بر زندگی زنان و حقوق فردی انسانها لطمه وارد کرده است. مثلاً :

۱- قانون خانواده و حقوق انسانی و مدنی زنان

۲- قانون ازدواج

۳- قانون طلاق

۴- حق سرپرستی فرزندان

۵- قانون ارث

۶- حق سفر برای زنان

به سنت های قبیایلی و قوانین جامعه مردسالار و با پشتوانه مذهبی استوار میباشد. زن در چنین شرایطی فقط به عنوان زن خانه، مادر اولادها، کوچ و عیالدار یاد میگردد. تنها تحفه ای که برای زنان اهداء گردیده، لقب مادر است و بس. یعنی تمام اشکال و انواع آزادیهای که مربوط به دموکراسی و عدالت اجتماعی میباشد، مخالف افکار جامعه مردسالار قرار گرفته و به زنان حق انسانی و آزادی را قایل نیستند

در قانون اساسی آقای کرزی هم کوچکترین اصلاحاتی بوجود نیامده و علی الخصوص قوانین خانواده حتی در مکتب حنفی مطرح میباشد. آقای کرزی برای خشنودی برادران سکه خود، یعنی طالبان تروریست میخواست ماده ای را در قانون اساسی بدین مضمون تصویب نماید: «زنان شیعہ نباید بدون محرم از خانه خارج شوند.»

و این واقعاً یکی از بیماریهای خطرناک سیاست تفرقه اندازانه ایشان است، تا مبارزه مشترک زنان را برای ایجاد دموکراسی و عدالت اجتماعی و آزادی، در هم شکنند.

تبعیض علیه زنان در دنیای امروزی بدرجات بالا قرار داشته و اکثر کشور ها زن را رسماً و قانوناً برابر با مردان ندانسته و آزادی زنان را در پرده ابهام پیچانیده اند.

در افغانستان اقتصاد عقب مانده و نفوذ مذهب و سنتهای پوسیده قبیایلی بر نظام سیاسی - فرهنگی و اجتماعی استوار است. شرکت یک تعداد زنان در کارهای دولتی و یا غیردولتی و شرکت دختران با فیصدی خیلی پائین که شامل مکاتب و پوهنتون و دانشگاه میباشد، نشاندهنده دموکراسی و عدالت اجتماعی برای زنان و دختران نیست. زیرا متأسفانه اکثریت زنان و دختران ما بیسواد بوده و از علم و دانش محروم اند. در جامعه ای که ۹۸ فیصد زنان بیسواد باشند و در جامعه ای که فقر فرهنگی و اقتصادی بیداد کند، عدالت اجتماعی خواب است و خیال.

در هفته نامه "جست و جوی صلح"، نشریه غیروابسته، سال اول شماره اول، هفته اول و دوم قوس ۱۳۸۶ چنین آمده است :

الف - ۸۵ فیصد زنان و دختران بیسواد اند، که بودجه دولت پائین ترین سطح را در منطقه دارد.

ب - دختران شامل مکاتب، کمتر از نصف پسران در سطح ابتدائی میباشند

ج - در شهر زابل ۳ فیصد دختر در مقابل ۹۷ فیصد پسر به مکتب میروند

د - در شهر قندهار ۲۰ لیسه وجود دارد که اکثر آنها بر اثر آتشباری بسته شده و در شرایط جنگی موجود، دختران اصلاً اجازهٔ مکتب رفتن را ندارند.

در عرصهٔ تعلیم و تربیه پراگندگی ناهمگون مکاتب در سطح تمام افغانستان چیره بوده و در نتیجهٔ نقض صریح حق شامل شدن به مکتب، بخصوص دختران را بار آورده است. همچنان اقتصاد ضعیف و نامنظم مردم غالباً دختران را خانه نشین ساخته است.

عوامل بازدارندهٔ تعلیم و تحصیل دختران قرار آتیست :

۱ - فقر فامیل ها

۲ - نبودن یا کمبود مکاتب دخترانه

۳ - مسایل امنیتی

۴ - کمبود استادان و معلمان اناث

که در چنین شرایط یادآوری از عدالت و دموکراسی واقعاً خجالت آور است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارشی را برای پارلمان تهیه و تقدیم کرده است. با توجه به ماده (۱۰) اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر هر فردی حق دسترس مناسب به محاکم صالح، مستقل، بیطرف و عادل و منصف را دارد. اما بنا بر گزارش بالا، نقض حقوق بشر غالباً در ارتباط با زنان صورت میگیرد.

در جامعهٔ سنتی و مذهبی افغانستان حتی مطابق نورم های سازمان حقوق بشر آزادی شامل حال زنان نیست. اعلامیهٔ جهانی رفع تبعیض در رابطهٔ زنان نوشته :

در مورد حقوق اساسی بشر در زمینهٔ شأن و مقام و ارزش افراد بشر و حقوق مساوی برای مردان و زنان ابراز داشته است.

این اعلامیه، مشعر بر اصل عدم تبعیض بوده و میگوید، که کلیه افراد بشر آزاد بدنیا آمده و آزادی های مذکور در این اعلامیه بدون هیچگونه تمایز، من جمله تبعیض جنسیت، قابل تطبیق میباشند.

ولی متأسفانه علی رغم منشور ملل متحد و اعلامیهٔ جهانی، هنوز تبعیضات قابل توجهی علیه زنان وجود دارد. در مادهٔ اول آمده است :

تبعیضات متکی بر جنسیت، مانع برقراری حقوق مساوی برای زنان و مردان گردیده و امریست غیرعادلانه و تجاوز بر حریم عزت زنان.

مادهٔ دوم:

کلیه تدابیر و اقدامات لازم بایستی برای امحای عرف و عادات و مقررات و اعمالی که نسبت به زنان جنبهٔ تبعیضی دارد و همچنین در زمینهٔ برقراری حمایت قانونی به حد کافی به منظور اعطای حقوق مساوی به مردان و زنان بالاخص در موارد زیرین صورت میگیرد:

الف - اصل مساوی حقوق بایستی در قوانین اساسی و یا قوانین معادل هر یک از ممالک پیش بینی شود.

ب - کلیه مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان های وابسته در زمینهٔ رفع تبعیض علیه زنان بایستی تجدید و به محض اینکه عملی تشخیص داده شود، بطور کامل به مرحلهٔ اجراء درآید.

ولی با تمام دشواری ها، صدای حق طلبانهٔ زنان گسترده و وسیع است. چون زنان فهمیده اند، که سرمداران امریکائی مجریان و مدافعان دروغین زنان افغانستان اند. برای آنها خواسته های زنان مهم نیست، بلکه منافع امپریالیستی خودشان مطرح است، چون جهان سرمایه جز سود و سرمایه، چیز دیگری را نمیشناسد.

حامد کرزی که نمایندهٔ دولت دست نشاندهٔ امریکائی است، به حکم و فرمان بادران خود میچرخد و وظیفهٔ وابستگی خود را به بهترین وجهی انجام میدهد.

مدتهاست که از ترور، دهشت و تبعید زنان از زندگانی، سخن رانده میشود. جنگجویان متحجر دوجانبه، یعنی تروریستان طالبی و لشکر امپریالیزم امریکا که چنین جنگهای خانمان سوز را براه انداخته اند، هر دو دست بکار اند و جفاکش اصلی این کشاکش زنان اند. دیده میشود که امپریالیست ها در مسیر تأمین منافعشان، به مناشیر و اعلامیه های جهانی کوچکترین وقعی نمیگذارند.

نشریهٔ ۸ صبح شمارهٔ ۱۲۸ سال اول، دوشنبه ۷ عقرب ۱۳۸۶ زیر نام "دنیا امروز" مینویسد :

بدون رفع نابرابری جنسی، جامعه فاقد دموکراسی و عدالت اجتماعی میباشد و در هیچ صورت دموکراسی امکان پذیر نخواهد بود.

و چنین مینویسد:

هزاران زن و دختر جوان هر روزه از سوی تاجران سکس نظر به مشکلات اقتصادی توسط باندهای قاچاق ربوده شده، از مرزهای کشورهای فقیر خارج ساخته شده و در کشورهای شیخ نشین و یگر کشورها به تن فروشی کشانده میشوند، و این امر دختران جوان افغانی را نیز در بر میگیرد. تجارت سکس از مهمترین بخشهای اقتصادی نامرئی جهانی سازی نیولیبرالی است.

طبق گزارشهای مطبوعات مختلف در سال جاری (۳۰۰) زن در سراسر افغانستان، خصوصاً در قسمت جنوب، توسط مردان به آتش کشیده شده و تعدادی هم نظر به خشم جامعهٔ زن ستیز، از جمله شوهر، برادر، پدر و غیره خود

زنان، دست به خود سوزی زده اند. دختر ۱۱ ساله و مادرش قربانی رسوم باطلی میشوند، که در آن زن بحیث مال و ثروت خانواده نگریده می شود.

حکومت مرکزی باعث آن گردیده است، تا تفنگداران مطابق میل شان بر مناطق خود حکمرانی نمایند. در ماه آگست سال گذشته دختری بزور تفنگ از خانه اش ربوده شد و مادر پنجاه ساله اش چنین گفت: «افراد مسلح نیمه شب دروازه خانه ام را شکستاده و دخترم را با زور برچه با خود بردند و مرا با چاقو زخمی ساختند.» و علاوه کرد:

«اکثر بنیاد گرایان، مجاهدان و طالبانی اند که در دولت و حکومت دست دارند.»

پس معلوم می شود، که حتی با افق بورژوا دموکراتیک هم نمیتوان به برابری زن و مرد و مهمتر از آن، رهائی زنان از ستم، دست یافت، چه رسد به "دموکراسی اسلامی" دولت افغانستان.

یک نهاد خیریه غیردولتی بریتانیا بنام اکسفام، طی گزارشی هشدار داده میگوید: «بیشترین بخشهای کمکهای جامعه بین المللی در چند سال گذشته، حیف و میل شده است و افغانها همچنان در فقر شدید بسر میبرند. از مواردی که این مؤسسه توانسته است به عنوان نمونه شمارش کند، یکی آن حقوق و معاشات بلند مشاورین خارجی بخصوص امریکائیان و دفاتر تجملی شان و برنامه های کوتاه مدت غیر ضرور و عملیات پرمصرف نظامی میباشد.

مشکل اساسی از آنجا شروع می شود، که پروسه مصنوعی دولت سازی و ملت سازی فرمایشی و دستوری، غیر طبیعی بودن خودش را با تحمل فساد، اختلاس، رشوت، قوم پرستی و امتیازدهی زد و بندهای پشت پرده جبران پذیر نبوده؛ زیرا به هدف بازسازی در ساحه دموکراسی، فسادزائی صورت نگرفته است.

در گزارش مؤسسه اکسفام آمده است که از سال ۲۰۰۱ بدین سو، بیشتر از ۱۵ میلیارد دالر به افغانستان کمک شده است. چون مردم هنوز در فقر و بدبختی بسر میبرند، معلوم نیست که این کمک برای کدام مردم به مصرف رسیده است؟

باز هم بطور نمونه از عدالت اجتماعی و خصوصاً در رابطه با زنان قصه ای را مینویسم. آمنه خانمی است ۲۱ ساله که فعلاً شب و روز در شفاخانه استقلال در کابل بسر میبرد. این شفاخانه سرپناه آمنه شده است. وی میگوید: در زمان حاکمیت طالبان راکتی به منزل ما اصابت کرد، که بر اثر انفجارش از دو پای شل شده ام. باز میگوید: "از آن روز تا حال از طرف دولت که فکر میکردم عدالتخواه است، کدام روز خوش را ندیده ام و بار دوش خانواده میباشم."

این نمونه عدالت دولت کرزی میباشد، که به حکم بادر امپریالیستی خود عمل میکند. معلوم است که جامعه افغانی چقدر یک جامعه عقب نگهداشته شده است. و عامل آن از جمله مسایل ذیل نیز میباشد:

- ۱ - نظریات عقبمانده در مورد زنان در جمهوری اسلامی
 - ۲ - شرایط نابرابر اقتصادی دولت وابسته به امپریالیزم
 - ۳ - بی اهمیت جلوه دادن نقش زنان و وابسته کردن آنها به مسایل سنتی و مذهبی
 - ۴ - ریشه دار بودن ستم تاریخی جامعه مردسالار
 - ۵ - قوی نشان دادن مردان نسبت به زنان
 - ۶ - تفکر غلطی که بر مبنای آن گویا زنان از نظر قوای دماغی و جسمانی ضعیف تر از مردان اند
- هر گونه تخطی درین زمینه ها زنان را از نقش طبیعی ایشان در جامعه دور میسازد. برداشت من اینست که حامد کرزی با دم و دستگاهش تحت نام دولت دموکرات، افکار عقب افتاده را نجات میدهد و در نتیجه فقر اقتصادی توأم با نشناختن روابط فرهنگی همگون، سردرگمی را برای زنان ایجاد نموده و ایشان را دچار مشکلات فراوان و روزافزون میسازد.
- متأسفانه ظلم و ستم مردان مردسالار به عنوان ساختار حاکم بر جامعه هیچگاه مورد سؤال قرار نگرفته است. اینجاست که رول زنان روشنفکر افغان در روشن ساختن این معضله بغرنج اجتماعی و فرهنگی، کسب اهمیت میکند.
- خواسته های ما زنان افغانستان در قدم اول در پهلوی مبارزه ملی، مبارزه در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی میباشد.

- بستر زنان مربوط به خود زنان و از مسایل خصوصی زنان است، که کشیدن قانون بیرونی را نمیپذیرد
- حجاب اجباری مردود است و باید با آن مبارزه شود
- سنگسار زنان یک عمل وحشیانه و ضد انسانی بوده و باید برای حذف آن تا پای جان کوشید
- مبارزه زنان بخاطر نیل به آزادی شان، آخر الامر به یک جنبش توده ئی تبدیل خواهد شد
- مقاومت اکثریت زنان اقشار و طبقات مختلف علیه تمام قوانین زن ستیز، ادامه خواهد یافت
- مبارزه زنان، ارکان پوسیده دولت ارتجاعی را زیر سؤال میبرد
- تحقق خواسته های زنان با سرنگونی این دولت دست نشانده گره خورده است
- زنان مبارزه جنسی را در پهلوی مبارزه طبقاتی و ملی فراموش نخواهند کرد
- خصوصیت جنبش زنان انقلابی و خشمگین است

زنان از طریق مبارزات پیگیر، موقعیت نابرابر خود را با مردان، مشخص خواهند ساخت. مردان مالکیت خصوصی وسایل تولید را به غصب بدست گرفته اند و در تقسیم کار اجتماعی، مسئولیت خدمات و کارهای خانگی خصوصی به عهده زنان واگذار شده است. از همین رو رول زنان در جامعه افغانستان، عقب افتاده و خطرناک می باشد. معلوم است که آزادی حقیقی زنان فقط در یک جامعه بی طبقه امکان پذیر می باشد. زنان چه در داخل و چه در خارج، باید جنبش مستقلی را سازمان داده و برای دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی مبارزه نمایند. زنان در سراسر جهان وجوه مشترک دارند، ازینرو باید زنان افغانستان نیز مبارزات خود را در سطح جهانی ارتقاء دهند. ما زنان می خواهیم که در آینده آزادی، دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی را به ارمغان بیاوریم، ازینرو باید دست پرتوان خود را در جهت احقاق حقوق مساوی، بلند نمائیم؛ دستی که بتواند ریشه های اسارت را از بیخ و بیرون آورد. آن وقت است، که آزادی زنان در افغانستان متحقق خواهد گردید. به امید روزی که زنان وطن ما در مسیر آزادی، بر مزار اسارت، سنگ ابدیت را بگذارند.

زندگی، آزادی انسان و استقلال اوست
بهر آزادی جدل کن، بندگی در کار نیست

زنده باد مبارزه زنان افغان در راه آزادی